



رهبران انقلاب اسلامی در قاب خاطرات مردم مشهد

مشکلت پیروزی

سید عبدالکریم هاشمی نژاد

یکی از محرکان اصلی جنبش انقلاب اسلامی در مشهد که با سخنرانی‌های پر شورش به جریان انقلاب اسلامی کمک کرد، سید عبدالکریم هاشمی نژاد بود. او پس از آغاز نهضت انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۱، به جریان فعال انقلاب پیوست و با سخنرانی‌های روشنگرانه‌اش در مبارزه مشارکت داشت و در دوران مبارزه بارها بازداشت و زندانی شد. شهید هاشمی نژاد سال ۱۳۵۰ دستگیر و برای همیشه ممنوع منبر شد. او ۷ مهر ۱۳۶۰ در حال خروج از کلاس درس به دست یکی از منافقان با عملیات انتحاری ترور شد و به شهادت رسید.

فرار بدون عمامه
محمد جعفری متولد سال ۱۳۳۵ است و اکنون عضو هیئت امنای مسجد امام محمد باقر (ع) در محله امامیه است. جعفری جزو همان انقلابیون گمنامی است که زحمات زیادی برای انقلاب اسلامی کشیده و حتی به جرم شرکت در تظاهرات به زندان افتاده است. او سال ۱۳۴۷ از مازندران به مشهد عزیمت کرد و از آنجا که برادرش در مشهد درس طلبگی می‌خواند، از همان کودکی با علما و روحانیان بزرگ شد: «یک بار آقای هاشمی نژاد برای سخنرانی به مسجد فیل آمده بود. من در جلسه سخنرانی بودم که دیدم در انتهای مسجد چند مرد کت و شلوار و اتوکشیده نشستند و مدام هنگام سخنرانی صلوات می‌فرستند که در سخنرانی اختلال ایجاد کنند. به اتفاق چند نفر نزد شهید هاشمی نژاد رفتم و گفتم که ساواکی‌ها قصد دارند شما را دستگیر کنند. او را بدون عمامه فراری دادیم و عمامه او را بر سر یکی از نمازگزاران گذاشتیم. بعد از نماز ساواکی‌ها عمامه را از سر آن فرد برداشتند و دیدند که یک پیرمرد سال خورده است. بدویبراه گفتند و عمامه را به گوشه‌ای پرت کردند و ناراحت از مسجد بیرون رفتند.»

عباراً به سرش کشیدیم
صفرعلی رضایی بحرآباد که اکنون در آستانه هفتادسالگی است و خانه‌اش هنوز در محله امام هادی (ع) است، از جلسات شهید هاشمی نژاد خاطره‌ها دارد: «اوایل سال ۱۳۵۷ که آقای هاشمی نژاد از زندان آمده بود، ممنوع المنبر بود. یک روز در مدرسه نواب جلسه گذاشت. جمعیت زیادی آمده بودند. در مدرسه را بسته بودند. آقای هاشمی نژاد گفت من ممنوع المنبرم و نمی‌توانم به منبر بروم؛ همین‌طور ایستاده صحبت می‌کنم. نیم‌ساعتی صحبت کرد که خبر رسید فرار کنید... ساواکی‌ها ریختند... همه از در و دیوار فرار می‌کردند. ما هم عبای آقای هاشمی نژاد را به سرش کشیدیم و از پشت بام فراری‌اش دادیم.»

آیت‌آ... سید علی حسینی خامنه‌ای

بی‌شک یکی از مبارزان تأثیرگذار در روند شکل‌گیری انقلاب اسلامی در مشهد، رهبر معظم انقلاب است. شدت گرفتن مبارزات مردم و بازگشت ایشان از تبعید، همه‌چیز را فراهم کرد تا مثلث تأثیرگذار رهبر معظم انقلاب، شهید هاشمی نژاد و آیت‌آ... واعظ طبسی، مدیریت میدانی فعالیت‌های انقلابی مشهد را بر عهده‌گیرند و تجمعات افشار مردم با هماهنگی و سخنرانی آن‌ها هدایت شود.

نعمت همسایگی با رهبر معظم انقلاب
تولد در کوچه بخردان همان شانس بود که از ابتدا در خانه مهدی شایان‌نیا را زده بود. دقیق‌تر بگوییم؛ تولد در خانه‌ای که فقط یک کوچه با خانه مرد خیر و خوش‌نام‌محله و پیش‌نماز مسجد امام حسن مجتبی (ع) فاصله داشت، همان اقبال خوشی بود که مسیر زندگی مهدی شایان‌نیا را عوض کرد و او را به راه انقلاب اسلامی کشاند. همسایه آن روزهای خانواده شایان‌نیا که شب‌ها با فولکس قرمز به خانواده‌های نیازمندان سرکشی می‌کرد، رهبر معظم انقلاب بود. روایت شایان‌نیا از سال‌های این همسایگی چنین است: «رهبر معظم انقلاب با پدرم دوست بودند. من آن زمان با فرزند ایشان هم‌بازی بودم. یادم است هیچ‌گاه نمی‌گذاشتند فرزندانشان سر ظهر بیرون بیایند. آن‌ها فقط اجازه داشتند در ساعات مشخصی در کوچه بازی کنند تا برای همسایگان مزاحمت ایجاد نشود. این کارشان برای ما هم الگو شده بود.» قصه مبارزات شایان‌نیا در جریان انقلاب سر دراز دارد: «من و چندتن دیگر از جوانان برای جلوگیری از تکرار حوادث ۲۳ آذر، نگهبانی بیمارستان امام‌رضاع (ع) را برعهده گرفتیم. سه‌شنبه‌روز در بیمارستان امام‌رضاع (ع) بودیم. یک روز رهبر معظم انقلاب به جمع ما در بیمارستان پیوستند و در میدان کوچکی در ورودی بیمارستان امام‌رضاع (ع) برایمان سخنرانی کردند.»

دوروز غذای روح خوردیم
دکتر سیدحسین فتاحی دانشجوی سال آخر پزشکی بود که ماجرای اعتصاب غذای ۴۸ ساعته دانشگاهیان در آبان ۱۳۵۷ رخ داد: «برنامه اعتصاب غذا از این قرار بود که هفتم و هشتم آبان در باشگاه دانشگاه اعتصاب غذا را اعلام کنیم و ۴۸ ساعت در همان مکان بمانیم و غیر از آب هیچی نخوریم و خواسته‌های صنفی‌مان را مطرح کنیم.» قرار بر این بود که سخنران این برنامه، رهبر معظم انقلاب باشند. ایشان وقتی از طریق فتاحی معصوم اطمینان یافتند که این برنامه در دست مذهبی‌هاست، روز هفتم آبان به دانشگاه وارد شدند و ابتدا دستور دادند عکس‌های شاه، فرح و پسر شاه را که به دیوار نصب شده بود، پایین بیاورند و به‌جای آن عکس امام (ره) را نصب کنند و به این ترتیب پس از تصرف باشگاه دانشگاه، تحصن غذا شروع شد: «روز دوم اعتصاب غذا (هشتم آبان ۱۳۵۷) برنامه‌ها پرشورتر شروع شد. جمعیت بیشتری آمده بودند. پس از نماز مغرب و عشا و برگزاری سخنرانی‌های انقلابی و پخش سرود، تحصن با سخنرانی رهبر معظم انقلاب پایان یافت.»

آیت‌آ... عباس واعظ طبسی

برگزاری تظاهرات پرشکوه تاسوعا و عاشورا در محرم ۱۳۵۷ یکی از مهم‌ترین همکاری‌های آیت‌آ... واعظ طبسی با رهبر معظم انقلاب و شهید هاشمی نژاد در نهضت امام خمینی (ره) بود. در این تظاهرات آیت‌آ... واعظ طبسی قطعنامه راهپیمایی را قرائت کرد و مردم با صدای بلند مواد آن را تأیید کردند. او از سال ۱۳۵۷ تولیت آستان قدس رضوی را به عهده داشت و در اسفند ۱۳۹۴ به رحمت ایزدی رفت.

منظورش از باروت ما هستیم!
سیدقاسم بخشیان از ساکنان بلوار مجلسی است که دوران نوجوانی‌اش با انقلاب اسلامی مصادف بوده است. بخشیان از همان روزهای اولی که لباس روحانیت بر تن کرده، در تظاهرات دهه ۵۰ شرکت کرده است. او از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ سه‌بار دستگیر و در زندان ساواک شکنجه شد. دهه فاطمیه بود که با اظهار تأسف آقای هاشمی نژاد از سکوت حوزه علمیه مشهد در یک سخنرانی، طلبه‌ها تحریک و خواهان تعطیلی حوزه شدند. این اعتراض‌ها سه روز طول کشید و در جریان آن، شهید هاشمی نژاد و مرحوم طبسی سران آشوب لقب گرفتند. روز سوم ساواک شروع به دستگیری طلبه‌ها کرد و بخشیان هم در مازندران دستگیر شد. یک هفته در زندان ساری بود و سپس با انتقال به مشهد به بند زندانیان سیاسی زندان وکیل آباد که آیت‌آ... طبسی و شهید هاشمی نژاد هم در آن بودند، انتقال یافت. او در صحبت‌های افسرنگهبان زندان شنیده بود که کشور روی بشکه باروت نشسته است و باید تلاش کنیم آتش نگیرد. بخشیان بعدها این حرف را در زندان برای شهید هاشمی نژاد و مرحوم طبسی تعریف کرد که آن‌ها در پاسخ گفتند: «منظورش از باروت ما هستیم!»

آیت‌آ... سیدعبدا... شیرازی

نداشتیم. شک و شبیه این کار در دلم افتاد. همین موضوع موجب شد که ۱۰ سال پیش از انقلاب اسلامی، پای من به خانه علمایی مانند آیت‌آ... شیرازی باز شود. توبه کردم و پس از آن سلمانی اختصاصی علما و افراد مؤمن شدم. اولین نفری که سر و صورتش را اصلاح کرد، آیت‌آ... شیرازی بود و پس از آن پایش به خانه تک‌تک علما

آرایشگر اختصاصی
علی‌اصغر سرابی متولد ۱۳۲۷، شهروند محله خاتم‌الانبیاء (ص) اولین بار به دلیل یک شبیه کاری به خانه آیت‌آ... شیرازی رفت. «حرفه‌ام سلمانی بود و آگاهی کافی درباره حرام‌بودن تراشیدن موی صورت مرجعی که در ۲۱ سالگی به اجتهاد رسید و پنجم مهر ۱۳۶۳ در ۹۶ سالگی درگذشت، یکی از چهره‌های تأثیرگذار مشهد در انقلاب اسلامی بود. منزل ایشان پایگاه مخالفت با شاه و رژیم بود و خودشان پناه انقلابیون در مشهد بودند.»

